# ۹۵۰۲۲۱-۷۵۴

**سه‌شنبه – جلسۀ ۱۲۸**

**أعوذ باللّه من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم الحمد للّه ربّ العالمین و صلّی اللّه علی سیّدنا محمّد و آله الطاهرین سیّما بقیّة اللّه في الأرضین و اللعن علی أعدائهم أجمعین.**

بحث راجع به این بود که اگر در حال احرام شرط می کند که ان عرض لی عارض یحبسنی فحلنی حیث حبستنی. اگر مانعی از ادامه مناسک حج یا عمره پیدا کردم خدایا من را رها کن و آزاد کن از احرام. اگر این شرط را بکند آیا به صرف مصدود شدن یا محصور شدن از احرام خارج می شود یا این شرط هیچ تاثیری ندارد.

مشهور گفتند این شرط هیچ تاثیر ندارد. بود و نبودش فرقی نمی کند. مستحب نفسی است که انسان در هنگام احرام این گونه با خدای خودش سخن بگوید. اما تاثیر فقهی ندارد. مصدود اگر شد وظیفه مصدود را عمل می کند و از احرام خارج می شود.

و لکن دو روایت هست باید از این دو روایت مشهور از جمله آقای خوئی در مناسک جواب بدهند که فرمودند اشتراط وجودش کالعدم هست. یکی صحیحه بزنطی است. قال سألت اباالحسن علیه السلام عن محرم انکسرت ساقه قال هو حلال من کل شیء. فقلت من النساء و الثیاب و الطیب؟ فقال نعم. محصور که مصداقش یکی همین است که کسرت ساقه، پایش شکسته است، محصور باید بعد الحصر قربانی بفرستد به مکه، یبعث بهدیه،‌آن هم در روایات داریم که از همه چیز که حلال می شود بعد از بعث هدی و حلق و تقصیر از نساء حلال نمی شود. مشکل نساء باقی می ماند بر محصور. ولی امام در این صحیحه فرمود هو حلال من کل شیء در ذیلش فرمود اما بلغک قول ابی عبدالله علیه السلام حلنی حیث حبستنی بقدرک الذی قدرت علی. یعنی چون اشتراط کرده است با خدا در حال احرام و این جمله امام صادق علیه السلام را در هنگام احرام گفته است با خدا خودش که حلنی حیث حبستنی و لذا این محصور به مجرد حصر محل می شود حتی از نساء. من النساء و الثیاب و الطیب.

العلة تعمم. پس معلوم می شود شرط الاحلال، ان عرض لی عارض یحبسنی فحلنی حیث حبستنی مهم است. محصور خصوصیت ندارد. مصدود هم بودی شرط احلال کردید که از این شرط ان عرض لی عارض یحبسنی تعبیر می شود به شرط الاحلال مصدود هم بودید به مجرد صد محل می شوید.

صحیحه دوم صحیحه ذریح المحاربی ذریح با ذال. ذریح المحاربی قال سألت اباعبدالله علیه السلام عن رجل تمتع بالعمرة الی الحج و احصر بعد ما احرم. کیف یصنع؟ فقال أ و ما اشترط علی ربه قبل ان یحرم ان یحله من احرامه عند عارض عرض له من امر الله؟ فقلت بلی قد اشترط ذلک. قال فلیرجع الی اهله حلا لا احرام علیه ان الله احق من وفی بمن اشترط علیه. دعای او این بود که به مجرد حبس آزاد بشود؛ به مجرد محبوس شدن و ممنوع شدن از اتمام مناسک آزاد بشود؛ خدا هم احق بمن وفی لمن اشترط علیه.

در مقابل این دو روایت معتبره چرا مشهور گفتند که شرط الاحلال اثر فقهی ندارد و خدا می فرماید به این شخص تو حلالی ولی به شرط این‌که احکام مصدود را اجراء کنی؛ تو حلالی به شرط این‌که احکام محصور را اجراء کنی؟ مشهور گفتند روایات دیگر فرمودند که شرط الاحلال کالعدم هست. صحیحه محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام و صحیحه رفاعه از امام صادق علیه السلام نقل می کند که هر دو بزرگوار فرمودند که القارن یحصر و قد قال و اشترط فحلنی حیث حبستنی قال یبعث بهدیه. قارن محصور شد، شرط هم کرده بود ان عرض لی عارض یحبسنی فحلنی حیث حبستنی، القارن یحصر و قد اشترط و قال فحلنی حیث حبستنی امام فرمود یبعث بهدیه باید هدی خود را بفرستد به مکه.

و یا صحیحه زراره عن ابی عبد الله علیه السلام هو حل اذا حبسه اشترط او لم یشترط. کسی که محبوس می شود از اتمام مناسک حج آزاد است چه شرط الاحلال کرده باشد چه نکرده باشد.

شبیه این روایت را هم بخوانم. صدوق باسناده عن حمزة بن حمران، اسناد صدوق به حمزة بن حمران صحیح است. خود حمزة بن حمران هم امکان توثیقش هست بخاطر نقل صفوان از او بلکه صفوان کتاب او را نقل کرده است. وسائل الشیعة جلد ۱۲ صفحه ۳۵۶ این صحیحه زراره را نقل کرده. اما حمزة بن حمران سأل اباعبدالله علیه السلام عن الذی یقول حلنی حیث حبستنی فقال هو حل حیث حبسه قال او لم یکن. چه بگوید این جمله را چه نگوید هو حل حیث حبسه.

گفته می شود که این روایات تکلیف را مشخص کرده. این روایات می فرماید شرط الاحلال هیچ تاثیر ندارد. قرینه می شود بر این‌که ما حمل کنیم صحیحه بزنطی و صحیحه ذریح المحاربی را بر این‌که هو حل، وقتی که شما بر خدا شرط کردی ان عرض لی عارض یحبسنی فحلنی حیث حبستنی خدا دعای شما را مستجاب کرده است حتی آن‌هایی هم که دعا نکرده اند خدا هنگام محصور شدن و مصدود شدن آن‌ها را هم خدا مثل شما که دعا کردید آزاد کرده است در هنگام مصدود شدن و ممنوع شدن از اعمال حج و عمره. اما حلال شدن شما یک مراسمی دارد. مراسمش این است که مصدود یذبح حیث صد، محصور یبعث بهدیه. این مراسم را اجراء کنید. بالاخره هر زندانی هم که می خواهد آزاد بشود یک مراسمی یک مقدماتی دارد آزادش می کنند. شما بنا بود تا اتمام مناسک حج و عمره در حبس احرام باشید، خدا شما را آزاد کرد. آزادی شما به این است که اگر مصدودید ذبح هدی کنید اگر محصورید بعث هدی کنید.

مشهور این گونه توجیه کردند.

در مقابل یک احتمالی هست درست مقابل مشهور. و آن این است که بگوییم این صحیحه زراره و حمزة بن حمران می گوید هو حل حیث حبسه، از هنگامی که ممنوع می شود از اتمام مناسک این مصدود یا این محصور، آزاد کامل است، یعنی نیاز به هیچ ذبحی و هیچ حلق و تقصیری نیست. چه شرط بکند چه نکند. و ما به این خاطر حمل می کنیم روایاتی را که می گوید المصدود یذبح حیث صد المحصور یبعث بهدیه یا القارن یبعث بهدیه را یا بر حکم تکلیفی محض. می گوییم آزاد هست این شخص، از احرام خارج شده است، و لکن یک تکلیفی دارد که ذبح هدی بکند. و یا اگر این را هم نگفتیم می توانید حمل کنید بر استحباب.

این احتمال که بگوییم هو حل حیث حبسه اشترط او لم یشترط مفادش این است که مجرد صد و حصر سبب خروج از احرام می شود. ذبح هدی می شود یک واجب تکلیفی. اگر گفتید این قابل التزام نیست جمع عرفیش این است که بگوییم یک مستحب تکلیفی هست.

و لکن انصاف این است که این احتمال مثل نظر مشهور خلاف ظاهر ادله است. بلکه صحیحه همان چیزی است که دیروز عرض کردیم وفاقا للسید الزنجانی و السید الداماد که شرط الاحلال اثر دارد. اثرش این است که مصدود و محصور به مجرد صد و حصر از احرام خارج می شوند. مقتضای جمع عرفی این است.

و تقریب ذلک: ظاهر صحیحه بزنطی و صحیحه ذریح المحاربی که روشن تر بود از صحیحه بزنطی این بود که شرط الاحلال سبب این حکم شده که ما گفتیم هو حل حیث حبسه. این ظاهر این دو صحیحه است. شرط الاحلال سبب حلال شدن و خروج از احرام است به مجرد حصر و صد بدون نیاز به هیچگونه به ذبحی و حلق و تقصیری. مخصوصا که در صحیحه بزنطی گفت نساء هم حلال شده است بر این محصور در حالی که نساء بر محصور حلال نمی شود بدون اشتراط.

[سؤال: ... جواب:] در صحیحه ذریح المحاربی که صریحا اشتراط فرض شد و در صحیحه بزنطی هم أ ما بلغک قول ابی عبدالله فحلنی حیث حسبتنی هم ظاهرش همین شرط الاحلال است. و این دو تا صحیحه قرینه عرفیه است بر این‌که ما بگوییم این صحیحه زراره و صحیحه حمزة بن حمران که گفت هو حل حیث حبسه اشترط او لم یتشرط جامع آزاد شدن را می گوید. یعنی آزاد می شود با صد و حصر چه شرط بکند چه نکند. اما جمع عرفیش با صحیحه ذریح المحاربی و صحیحه بزنطی همین است که اگر شرط نمی کرد نیاز به مراسم ذبح و حلق و تقصیر دارد که یک مراسم مختصری است. ولی اگر شرط الاحلال می کند حتی نیاز به ذبح و حلق و تقصیر هم ندارد. هو حل حیث حبسه اشترط او لم یشترط.

و لکن منافات با این ندارد که اشتراط تاثیرش این است که نیاز به ذبح و حلق و تقصیر ندارد، فرض عدم اشتراط الاحلال نیاز به ذبح و حلق و تقصیر دارد. و این مقتضای جمع عرفی بین این روایات است.

یک سری روایات می گوید المصدود یذبح حیث صد و المحصور یبعث بهدیه و لاتحل له النساء. مفاد برخی از روایات بود. مصدود یذبح حیث صد و المحصور یبعث بهدیه و لاتحل له النساء. قرآن هم می فرماید که و لاتحلقوا رئوسکم حتی یبلغ الهدی محله. کسانی که دچار احصار بشوند یعنی دچار منع بشوند از اتمام مناسک چه محصور چه مصدود این‌ها از احرام خارج نمی شوند قبل از ذبح هدی. و لاتحلقوا رئوسکم حتی یبلغ الهدی محله. یعنی هنوز شما محرمید ای محصورها این مصدودها تا هدی ذبح نشود از طرف شما شما محرمید.

این، مفاد این ادله.

[سؤال: ... جواب:] مفاد المصدود یذبح حیث صد، و المحصور یبعث بهدیه و لاتحل له النساء حتی بعد ذبح هدیه این است که این مصدود و محصور محرمند قبل از ذبح هدی. قرآن هم می فرماید قبل از ذبح هدی سرتان را نتراشید یعنی هنوز محرمید و الا چرا سرشان را نتراشند اگر محرم نیستند. این یک طائفه.

طائفه دوم می گوید هو حل حیث حبسه اشترط او لم یشترط.

طائفه سوم هم صحیحه ذریح المحاربی و صحیحه بزنطی است می گوید اگر شرط بکند به مجرد مصدود شدن و محصور شدن از احرام خارج می شود. جمع عرفی بین این سه طائفه چه اقتضائی دارد؟ ظهورش همین است که چه شرط بکنید چه نکنید آزاد می شوید. این‌طور نیست که بگویند تا مناسک را بجا نیاورید و لو چند ماه بعد و لو سال آینده باید بر احرام خود باقی بمانید. نخیر؛ شما آزاد هستید. اما اگر شرط الاحلال می کردید نیازی به مراسم آزادی نداشتید. نیاز به ذبح و حلق و تقصیر نداشتید. اما کسانی که اشتراط احلال نکردند نگفتند ان عرض لی عارض یحبسنی فحلنی حیث حبستنی این‌ها آزادند با مقدماتی کوتاه و آن ذبح هدی و حلق و تقصیر هست.

این مقتضای جمع عرفی بین این روایات است. و خود صحیحه بزنطی گفت محصور اگر شرط بکند احلال را در هنگام محرم شدن حلال من کل شیء قلت من النساء و الثیاب و الطیب؟ قال نعم. با این‌که محصور در جاهای دیگر گفتند و لاتحل له النساء حتی یطوف و یسعی.

می ماند این صحیحه که داشت القارن، صحیحه محمد بن مسلم و صحیحه رفاعه: القارن یحصر و قد اشترط فحلنی حیث حبستنی قال یبعث بهدیه. این در فرض اشتراط هم گفت یبعث بهدیه. یا این را حمل می کنیم بر حکم تکلیفی در خصوص قارن یا حتی حکم وضعی هم بگوییم قارن چون قربانی او همراهش هست، و لو شرط الاحلال کرده این قربانی، قربانی در راه خدا است. یبعث بهدیه. حالا این را از باب تکلیف یا حتی اگر کسی بگوید که تا قربانی او ذبح نشود از احرام خارج نمی شود این در مورد قارن هست. این دلیل نمی شود که در غیر قارن: در متمتع، در حاج مفرد، در معتمر، ما بگوییم شرط الاحلال هیچ تاثیری ندارد.

و لذا به نظر ما اشتراط احلال اثر دارد. اثرش این است که به مجرد صد و حلق متحلل می شود حاج و معتمر مگر در حج قران که بخاطر صحیحه محمد بن مسلم و صحیحه رفاعه ملتزم می شویم واجب است محصور بعث هدی بکند. و احتیاط این است که تا بعث هدی نکند و هدی او ذبح نشود بر احرام خود باقی بماند.

[سؤال: ... جواب:] صحیحه بزنطی و لو بزنطی نگفت شرط الاحلال را ولی امام یک مستحبی را به گردن طرف گذاشت که ؟؟ أ ما بلغک قول ابی عبدالله فحلنی حیث حبستنی؟ ... وقتی که امام بعدش می فرماید مگر نشنیدی قول امام صادق را؟ امام کاظم یا امام رضا علیه السلام فرمود مگر نشنیدی قول ابی عبدالله علیه السلام را فحلنی حیث حبستنی یعنی شرط الاحلال را ... معروف بود شرط الاحلا در آن زمان مثل حالا نبود که حجاج را بیاورند مسجد شجره و جحفه و بدون این‌که این شرط الاحلال را یاد مردم بدهند بگویند بلافاصله همه شما بگویید محرم می شوم برای عمره تمتع برای حجة الاسلام قربة الی الله لبیک اللهم لبیک. مردم بلد بودند روحانی‌هاشان احساس مسئولیت می کردند. شرط الاحلال را یاد می دادند به مردم. معروف بود. أ ما بلغک قول ابی عبدالله این نشان می دهد که قول امام صادق رسیده بود به عرف، به متعارف مردم، به متعارف شیعه. ... قول ابی عبدالله چی بود؟ قول ابی عبدالله شرط الاحلال بود.

[سؤال: ... جواب:] این صحیحه بزنطی که می گفت هو حلال من کل شیء من النساء و الثیاب و الطیب، یعنی محصور بدون اشتراط هم در رابطه با نساء هم مشکلش برطرف می شود؟ این‌که خلاف روایات متعدده ای است که می گوید محصور حتی اگر وظیفه محصور را هم انجام بدهد نساء بر او حلال نمی شود. ... ان کسرت ساقه با ان کسرت ظهره چه خصوصیتی دارد؟ که بیاییم فرق بگذاریم. ... ظاهر صحیحه بزنطی بیش از اشتراط الاحلال را نمی گوید. أ ما بلغک قول ابی عبدالله فحلنی حیث حبستنی. ... حالا اگر گفت که أ ما بلغک قول ابی عبدالله فحلنی حیث حسبتنی ظهور در اشتراط ندارد آن وقت باید مرحوم استاد بگویند این صحیحه بزنطی را حمل می کنیم بر جایی که محصور، یا محصور از حج است یا محصور از عمره مفرده ای است که بعث بهدیه. نساء هم بر او حلال می شود. و تنها محصوری نساء بر او حرام است بعد از اعمال محصور که محصور در عمره مفرده باشد و قربانی او هم در همان مکان حصر ذبح کرده باشد که نظر مرحوم آقای تبریزی بود. اگر این‌طوری توجیه کنیم حالا این مشکل این‌که چرا امام فرمود حلال من کل شیء من النساء و الثیاب و الطیب را می توانیم این‌طوری جواب بدهیم. ولی الذی یسهل الخطب این‌که این روایت بیش از فرض اشتراط، أ ما بلغک قول ابی عبدالله فحلنی حیث حبستنی یعنی فرض الاشترط،‌بیش از این ظهور ندارد.

مسئله ۴۴۰: المصدود عن الحج، تا حالا بحث ما در مصدود از عمره تمتع بود که گفتیم اگر تا آخر وقت عمره تمتع مصدود باشد از عمره تمتع اطلاق دلیل می گوید یذبح حیث صد. و لو موقفین را هم بتواند درک کند خلافا للسید السیستانی ملزم نیست که صبر کند و حج افراد بجا بیاورد با درک موقفین. عمره تمتع را اگر شخص مصدود بود نگذاشتند وارد مکه بشود تا ظهر روز عرفه همین الان که مصدود از عمره تمتع است می تواند ذبح بکند قربانی را و از احرام خارج بشود. و اگر هم شرط الاحلال کرده بود که نیاز به این مراسم هم نیست. بله، اگر صبر کند تا ظهر روز عرفه بشود و هیچ کاری نکرده باشد و از احرام خارج نشده باشد آن وقت مبدل می شود عمره تمتعش به حج افراد.

راجع به مصدود از عمره مفرده هم بحث کردیم.

یک مطلبی را در مناسک محشی از آقای زنجانی نقل کرده بودند ما هم اشکال کردیم. از ایشان سؤال کردند فرمودند این اشتباه است من همچون چیزی را نگفتم. اشتباه نوشته شده. که گفته شده بود که در عمره مفرده کسی مصدود است که تا یک سال بعد نتواند عمره مفرده را تکمیل کند. فرموده بودند نه؛ من همچون چیزی را نگفتم؛ اشتباه چاپ شده. الحمدلله ما هم موضوع اشکال مان برطرف شد.

منتها می توانیم این اشکال دیگر را که مطرح کردیم به ایشان عرض کنیم که چرا فقط شما دائر مدار حرج شخصی و نوعی می کنید بقاء در عمره مفرده را؟ می گویید تا به حرج شخصی یا نوعی نیفتی صبر کن. نه؛ ممکن است به حرج نوعی و شخصی نیفتد. زنی است محرم شد برای عمره مفرده می تواند برگردد به ایران مجرد هم هست چند ماهی را با حال احرام بسر ببرد. حرج نوعی هم نیست. اما عرفا مصدود است. عرفا در این سفر نگذاشتند که عمره مفرده برود. عرفا مصدود است و احکام مصدود را می تواند بار کند. چرا می گویید حتما باید از بقاء بر احرام به حرج نوعی یا حرج شخصی مبتلا بشوی تا صدق کند مصدود از عمره مفرده. این اشکال را ما به ایشان داریم.

[سؤال: ... جواب:] اگر به حرج شخصی و نوعی نمی افتد مصدود از عمره مفرده، باید صبر کند تا به حرج شخصی و یا نوعی مبتلا بشود. ... حرج نوعی چقدر است؟ حرج نوعی هر مقدار بود. ما می گوییم ما دائر مدار حرج شخصی و حرج نوعی نیستیم. ما دائر مدار صدق عرفی مصدود عن العمرة المفردة هستیم که عرفا بگویند در این سفر حالا که نمی گذارند باید برگردد ایران و یک مقدمات که مشقت گاه هست، طی کند تا بار دیگر ویزای آزاد بگیرد برگردد عمره مفرده این را می گویند مصدود از عمره مفرده.

مسئله ۴۴۰: راجع به مصدود از حج تا حالا این مسئله ۴۴۰ مطرح کردیم صوری هست که این صور را بررسی می کنیم.

صورت اولی این است که مصدود بشود حاج، محرم برای حج، از وقوف به عرفات و مشعر. البته معیار این است که مصدود بشود از وقوف، رکن اضطراری حج. و الا اگر مصدود بشود از رکن اختیاری حج این‌که مهم نیست. عرفات نمی گذارند برود،‌ فدای سرش. مشعر که می گذارند برود. رکن اضطراری وقوفین را می تواند درک کند. حتی به نظر مرحوم آقای خوئی فرمود اگر مشعر هم تا طلوع آفتاب نمی گذارند برود، فکر می کنند که تا طلوع آفتاب روز دهم ذیحجه آزاد نکنند این شخص را از زندان مکه، دیگر این حجش باطل می شود. در حالی که خبر ندارند که برخی از مراجع مثل آقای خوئی هیچ مشکلی ندارد. سریع که از زندان آزاد شدی برو قبل از اذان ظهر مشعر را و لو برای لحظاتی درک کن رکن اضطراری حج را درک کردی. البته مشهور قبول ندارند این حرف را. مشهور می گویند اگر قبل از طلوع آفتاب درک کنی مشعر را، تو که عرفات را درک نکردی، اگر قبل از طلوع آفتاب مشعر را درک کنی رکن اضطراری حج را درک کردی. اما برخی مثل مرحوم آقای خوئی و مرحوم استاد نظرشان این است که قبل از اذان ظهر بیایی مشعر رکن اضطراری حج را درک کرده.

حالا این قسم اول کسی است که رکن اضطراری حج را نمی تواند درک کند. اگر رکن اضطراری حج وقوف نهاری به مشعر باشد آن را هم نمی تواند درک کند. موقعی آزاد شد از زندان این مصدود که قبل از اذان ظهر هم نمی تواند به مشعر بیاید در حالی که این محرم به احرام حج بود چه بکند؟ آقای خوئی فرمودند که شکی نیست که این قسم مشمول احکام مصدود است. المصدود یذبح حیث صد.

بحث در این است که آیا این شخص می تواند بگوید من محرم شدم برای حج، نمی توانم رکن اضطراری وقوفین را هم درک بکنم، ولی دوست ندارم که احکام مصدود را اجراء کنم. به من اجازه بدهید باقی بمانم بر احرام خودم تا بعد از فوت وقوفین احرام حجم مبدل بشود به عمره مفرده. آیا فقهاء اجازه می دهند این کار را.

آقای خوئی فرموده من که اجازه نمی دهم. تو مصدودی. مصدود حکم خاص خود را دارد. یذبح حیث صد. اگر صبر هم بکنی تا ظهر روز دهم ذیحجه، محرم هم بمانی باز مجاز نیستی با اعمال عمره مفرده از احرام خارج بشوی. یذبح حیث صد. باید ذبح بکنی در مکان صد. حلق و تقصیر بکنی.

اما محقق حلی در شرائع فرموده که ما سختگیری نمی کنیم. بله، مجازند این شخص قبل از فوت احکام مصدود را عمل کند. اما اگر بخواهد صبر کند بعد از فوت موقفین مبدل بشود احرامش به عمره مفرده هیچ اشکالی ندارد.

صاحب جواهر فرموده اصلا متفق علیه بین الاصحاب است این مطلب. و استدلال هم می کند صاحب جواهر. می گوید آقا! این المصدود یذبح حیث صد در مقام توهم حظر است. ظهور در وجوب تعیینی ندارد. این مصدود می گوید خدایا! من چه بکنم؟ من مصدودم. راه حلی برای من نداری؟ شرع مقدس فرمود راه حلم این است که یذبح حیث صد. اما اگر نمی خواهی از این راه حل استفاده بکنی باقی بمانی بر احرامت بعد از فوت موقفین عمره مفرده بجا بیاوری به حکم من فاته الموقفان این است من فاته الموقفان اتی بعمرة مفردة به همان احرام حج. این‌طور می شود که تبدل احرام حجه الی عمرة مفردة.

[سؤال: ... جواب:] از نظر صاحب جواهر و محقق حلی در شرائع مخیر است قبل از فوت موقفین احکام مصدود را اجراء کند اما بعد از فوت موقفین روشن نیست که آیا باز زمینه برای احکام مصدود دارد یا نه؟ و بعبارة اخری روشن نیست که این تخییر طولی است یا عرضی؟ تخییر طولی یعنی قبل از فوت موقفین که می خواستند زندانش بکنند روز مثلا هفتم ذیحجه، و می دانی تا روز دهم آزاد نخواهد شد چون تعطیلات هستد در تعطیلات هم آزاد نخواهی شد. تخییر طولی این است که الان اگر می خواهی سریع به دوستت بگو یک گوسفند بخرد برایت ذبح کند و بعد حلق و تقصیر بکن از احرام خارج بشو. ولی اگر این کار را نکردی تا ظهر روز دهم ذیحجه آن وقت احرامت مبدل می شود به عمره مفرده. وقتی آزاد شدی باید بروی اعمال عمره مفرده بجا بیاوری. این می شود تخییر طولی. تخییر عرضی این است که نه؛ بگوییم شما بعد از ظهر روز دهم ذیحجه هم باز ملزم نیستی به اعمال عمره مفرده. حال نداشتی باز هم زمینه برای اجراء احکام مصدود هست. این می شود تخییر عرضی.

[سؤال: ... جواب:] اما این‌که می فرمایید که مثلا روز هفتم فقط به او گفتند حق رفتن به عرفات و مشعر نداری، ولی می توانی در مکه عمره مفرده بجا بیاوری بتواند همان روز هفتم برود عمره مفرده بجا بیاورد احکام مصدود را بار نکند این ظاهر کلمات اصحاب نیست. ولی احتمال ثبوتی دارد.

تامل بفرمایید ببینید حق در مسئله چیه؟ فردا ان شاء الله.